

Sociological Influences of Iranian Rituals on Regional Peace and Security

Kiyumars Moladoost*

Ali Pezhhan**

Manouchehr Danesh pazhouhan***

Abstract

For a long time, rituals, customs and traditions have been very important and valuable for different nations; Iranians rituals have also been universally acknowledged and respected and preserved by Iranians. Adopting an interpretive approach, the present study tries to narrate the role and sociological functions of Iranian rituals in terms of regional peace and security. The theoretical framework of the research is based on a rationalistic approach and is consistent with previous research, observations and experience. The research method is conceptual and descriptive. Thematic analysis was used to analyze the data. Some of the Iranian rituals are deeply rooted in Iran's culture and are of great value in other countries. Their functions have changed to peace and friendship over time. This study tries to show that Iranian rituals and traditions, in addition to strengthening solidarity, creating cohesion within the country and deepening Iranian identity, have the capacity to create unity with many countries in the world. Paying attention to universal Iranian rituals results in the development of the authority and legitimacy of Iran's global image. Cultural commonalities .rituals can bring security, peace and friendship

Keywords: Iranian rituals, National Security, Soft Power, Peace, Iranian Traditions

*M.A. in Cultural Affairs Management, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. (Corresponding Author). k.moladoost@gmail.com

**Assistant Professor of Demography, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. pezhhan_ali@yahoo.com

***Assistant Professor of Persian Language and Literature Farabi Faculty of Sciences and Technology, Tehran, Iran. MDPajuhan@yahoo.com

How to cite article:

Moladoost, K., Pezhhan, A., & Danesh Pazhouhan, M. (2023). Sociological functions of Iranian rituals in peace and regional peace. *Journal of Ritual Culture and Literature*, 2(1), 205-230. doi: 10.22077/jrcr.2023.6845.1066



کارکردهای جامعه‌شناختی آیین‌های ایرانی در صلح و امنیت منطقه

کیومرث مولادوست*

علی پزهان**

منوچهر دانش پژوهان***

چکیده

آیین‌ها، رسوم و سنت‌ها از دیرباز برای مردمان سرزمین‌های مختلف بسیار مهم و ارزشمند بوده است. آیین‌های ایرانی نیز جهان‌شمول و ارزشمند بوده و مردم ایران‌زمین در نگهداری و پاسداشت آن‌ها بسیار کوشیده‌اند. این پژوهش تلاش دارد نقش و کارکردهای جامعه‌شناختی آیین‌های ایرانی در صلح و امنیت منطقه را با رویکرد تفسیری روایت کند. نگاه نظری پژوهش بر رویکرد خردگرایانه مبتنی بوده و با پژوهش‌های پیشین و مشاهدات و تجربه زیسته منطبق است. روش پژوهش بر اساس هدف بنیادی و از منظر جمع‌آوری داده‌ها توصیفی است و برای تحلیل داده‌ها از تحلیل مضمون بهره گرفته شده است.

برخی از آیین‌های ایرانی ضمن ریشه عمیق در تاروپود ملت ایران در کشورهای دیگر نیز از ارزش والایی برخوردار هستند. درگذر زمان آیین‌های ایرانی از کارکردهای ویژه‌ی زمان خود به کارکرد صلح و دوستی تبدیل شده‌اند. این پژوهش سعی دارد بیان کند که آیین‌ها و سنت‌های ایرانی علاوه بر تقویت همبستگی، ایجاد انسجام درون کشور، تعمیق هویت ایرانی، توانایی اتحاد و همبستگی با بسیاری از کشورهای جهان را نیز دارد. تقویت و توجه به آیین‌های جهان‌شمول ایرانی، باعث افزایش اقتدار و مشروعیت چهره‌ی جهانی ایران می‌شود. اشتراک‌های فرهنگی و آیین‌های فراگیر، می‌تواند امنیت، صلح و دوستی را به همراه داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: آیین‌های ایرانی، امنیت ملی، قدرت نرم، صلح، سنت‌های ایرانی.

* کارشناس ارشد مدیریت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) k.moladoost@gmail.com

pezhhan_ali@yahoo.com

** استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

MDPajuhan@yahoo.com

*** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم و فنون فارابی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

مقدمه

همبستگی ملی یکی از عوامل مهم دوام و بقای جامعه به شمار می‌آید؛ بنابراین، هرگونه حرکت و اقدامی که اتحاد و همبستگی ملی را در جامعه مخدوش کند، خطر و تهدیدی برای موجودیت آن محسوب می‌شود (آبخضر و متفکر، ۱۳۹۳: ۱۱۵). همبستگی ملی مفهومی دوسویه و مبتنی بر تمایزات و اشتراکات است؛ از یک‌سو با تأکید بر مشترکات، ما را پیرامون محوری واحد همبسته و متعهد می‌سازد و از دیگر سو ما را از دیگران باز می‌شناساند (قرخلو، ۱۳۸۲: ۷۹). هویت ملی درباره‌ی مفهوم ملت شکل گرفته است. ملت به گروهی از انسان‌ها گفته می‌شود که دارای سرزمین خاص، فرهنگ و زبان مشترک و تاریخ خود هستند و نهاد سیاسی دولت و شناسایی بین‌المللی نیز دارند (احمدی، ۱۳۹۰: ۸۰). در تعریف هویت ملی، احساس همبستگی با اجتماع بزرگ ملی و آگاهی از آن و احساس وفاداری و همچنین فداکاری در راه آن (اشرف، ۱۳۷۲: ۸) مدنظر است. هویت ملی جوامع، به دو صورت تکوین می‌شود و شکل می‌گیرد (عباس‌زاده مرزبالی، ۱۳۹۹: ۶۰):

۱. هویت‌های ملی که در دوره‌ی مدرن ایجاد شده و تحت تأثیر ظهور دولت‌های ملی و اندیشه‌های ملی‌گرایی است (بیگدلو، ۱۳۹۳: ۹۶).

۲. هویت‌های ملی که مصنوعی و خلق‌الساعه نبوده و قرن‌ها پیش از پیدایش دولت‌های ملی شکل گرفته‌اند و در فراخنای تاریخ توانسته‌اند پایداری، پویایی و موجودیت خود را حفظ کنند و تداوم بخشند. کشورهایی مانند ایران، چین، مصر، یونان و ... چنین هویت ملی‌ای دارند.

فرهنگ در سطوح گوناگونی مفصل‌بندی می‌شود و در اشکال مختلف زبان، اسطوره، آداب و رسوم، آیین‌ها، نمادها، خاطرات جمعی، لطیفه‌ها، شیوه‌های غیرزبانی ارتباطات، سنت‌ها، نهادها، هنر، موسیقی، ادبیات مکتوب، زندگی اخلاقی، بینش افراد نسبت به زندگی خوب و مطلوب و در هنجارهایی که روابط افراد و گروه‌ها را هدایت می‌کند، متجلی می‌شود (Behikhu Parekh, 2005: 143). وجود امنیت اجتماعی (Social Security) در جامعه به‌عنوان یکی از عوامل توسعه‌یافتگی فرهنگی قلمداد می‌شود (الهوردی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۷). پورسعید (۱۳۸۶: ۴۵) امنیت اجتماعی را بدین گونه تعریف می‌کند: «نداشتن ترس، خطر و هراس در حفظ و نگهداری ویژگی‌های مشترک گروه اجتماعی چون مذهب، زبان و سبک زندگی»

و همچنین وجود آیین‌های ملی، احترام به تاریخ و اندیشه گذشتگان و ... را در حوزه‌ی امنیت اجتماعی دانست؛ بنابراین، راهبردهای حاکمیت مبتنی بر تأمین همبستگی ملی، متضمن امنیت اجتماعی و احترام بر ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی-اجتماعی اقوام و آحاد جامعه است. ایران در ارزش‌های فرهنگی، کشوری متمرکز است و این با خصوصیات جغرافیایی-فرهنگی ایران که جامعه‌ای چند فرهنگی است، کاملاً در تضاد است (الهوردی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۷).

افکار عمومی جهان بیش از پیش به سوی پذیرش اصل تنوع و تکثر قومی و فرهنگی تمایل دارد (سیدامامی، ۱۳۷۷: ۱۲). در بعضی از کشورها، همانند آمریکا، سوئیس، کانادا، استرالیا و بریتانیا، سیاست چند فرهنگی (Multiculturalism) و چند فرهنگ باوری رسماً ترویج می‌شود (کریمی مله، ۱۳۸۵: ۹۷-۹۸). یکی از راه‌های رسیدن به توسعه یافتگی فرهنگی و حفظ وحدت ملی، کنش ارتباطی و روابط گفتمانی میان اقوام است. تعامل و ارتباط میان اقوام، در قالب نظریه‌ی هابرماس در مورد کنش ارتباطی (Communicative Action) قابل تحلیل است. تعامل و گفتگو، سبب رسیدن به درک مشترک و همزیستی و در نتیجه بالا رفتن سرمایه‌ی اجتماعی جامعه می‌شود. افزایش سرمایه‌ی اجتماعی، ضریب همبستگی ملی را در جامعه افزایش می‌دهد. سرمایه‌ی اجتماعی در این مفهوم، به وجود اجتماعات، سازمان‌ها و تشکلهایی که اقوام مختلف در آن در کنار هم و یا روبه‌روی هم قرار گیرند و در خصوص مسائل مورد علاقه و نیاز طرفین به گفتگو و کنش متقابل ارتباطی پردازند، مربوط است (الهوردی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۸).

الهوردی‌زاده و همکاران، (۱۳۹۵: ۱۷۸) در پژوهشی دریافتند تعامل و روابط اقوام و مناطق جغرافیایی حاشیه‌ای کشور ضعیف است. اقوام کشور به‌جز در پایتخت آن‌هم به شکل بسیار ناچیز، عملاً با یکدیگر در تعامل نیستند. برای مثال مردم دو قوم بلوچ و آذری تعامل و روابط بین‌قومی محدودی دارند. تراکم روابط بین‌قومی در کشور، در چهار حوزه‌ی اقتصادی (معیشتی)، سیاسی (تعارضی)، فرهنگی (فکری) و اجتماعی (عاطفی) به‌طور کلی کم است. در این میان، رابطه‌های عاطفی اقوام با یکدیگر در مجموع بیش از روابط فکری، معیشتی و تعارضی است. در چهار حوزه از روابط بین‌قومی، روابط شدیداً نامتقارن است؛ یعنی گیرندگی و فرستندگی روابط اقوام با یکدیگر تناسبی ندارد. فارس‌ها بیشترین گیرندگی رابطه و کمترین فرستندگی رابطه را دارند. بلوچ‌ها در نقطه‌ی مقابل فارس‌ها قرار می‌گیرند (یوسفی، ۱۳۸۰: ۴۰). در ایران فاصله‌ی اجتماعی بین اقوام بیشتر است. فقر فرهنگی و اقتصادی، قوم‌گرایی، پایین بودن دانش و آگاهی اقوام درباره‌ی یکدیگر، شدت تعاملات درون‌گروهی و ضعف تعاملات بین‌گروهی، مانع کاهش فاصله‌ی اجتماعی بین اقوام و قشرهای ایران شده است. وجود فاصله‌ی اجتماعی بیشتر، می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری تضادهای قومی و در سطح بالاتر شکاف‌های قومی باشد که این امر، اقتدار و همبستگی ملی را تضعیف خواهد کرد (عبداللهی و قادرزاده، ۱۳۸۲: ۳۶).

بررسی آداب، آیین‌ها، سنت‌ها، ادب مکتوب و شفاهی، معماری و دست‌سازه‌ها و دست‌بافته‌های مختلف نشان می‌دهد که این میراث مادی و غیرمادی، در بردارنده‌ی نمادهای صلح هستند (نک: ماکویی، ۱۳۹۲). ویژگی‌های قومیتی و ملیتی متکثر سبب ایجاد شرایط فرهنگی و اجتماعی متنوع و متفاوت و در نتیجه شکل‌گیری جوامع محلی با ویژگی‌های خاص می‌شود. هرکدام از این جوامع محلی در سطوح منطقه‌ای یا ملی دارای وجوه مشترک در حوزه‌ی آداب‌ورسوم و آیینی هستند که در همگرایی ملی بسیار

مؤثر و نقش‌آفرین است (شمس و بختیاری و ارسته، ۱۳۹۴: ۲۴۳). استفاده از این پتانسیل‌ها در برقراری صلح بین کشورها و جوامع مختلف به‌خصوص در مناطقی که قومیت‌ها در بین چند کشور، مرزهای مشترکی دارند، می‌تواند اثر مثبت و چشم‌گیری داشته باشد. تجربه‌ی همجواری کردهای ایران با کردهای کشورهای عراق، ترکیه و سوریه با کشورهای پیش‌گفته و همچنین بلوچ‌ها در جنوب شرقی با کشور پاکستان و اقوام ترکمن و آذری و... تبیین‌کننده این مطلب است.

جشن‌ها و آیین‌ها در نزد هر قوم و ملتی از دیرباز وجود داشته است. ملتی را نمی‌توان یافت که در تاریخ خود جشن یا آیینی نداشته باشد. اگرچه این جشن‌ها در پی ضرورت‌های زندگی در دوره‌های ویژه‌ای از تاریخ ایجاد شده و کارایی مشخصی داشته‌اند، اما به تدریج و با گذشت زمان از ریشه‌های اصلی خود جدا شده و با توجه به نیازها و نگرش‌های جدید ادامه یافته‌اند. مردم هم که نسل به نسل این آیین‌ها و جشن‌ها را در حافظه‌ی خود حفظ کرده‌اند، پذیرای این تغییر و تحول می‌شوند؛ زیرا در این تغییرات شریک هستند و با علاقه‌مندی آن را دنبال می‌کنند (آلبویه، ۱۳۸۱: ۱۴).

آداب‌ورسوم فرهنگی به دلیل انعکاس نوعی از شناخت و باور، به‌عنوان روشی تعلیمی و عاملی وحدت‌بخش، سرگرم‌کننده و غلبه‌کننده بر نیروهایی که از مهار انسانی خارج است، کارساز بوده و همواره در بطن فرهنگ جریان داشته است (نولان و لنسکی، ۱۳۸۶: ۲۸۶-۲۹۰).

آداب‌ورسوم، لایه‌ای از روایت‌های رفتاری و انعکاسی است که باورداشت‌های اعتقادی را به همراه دارد. آیین‌ها جزو اعمال و رفتارهای انسان‌شناسی است. سنت، آداب‌ورسوم و باور، زیرمجموعه‌ی آیین‌ها هستند. برگزاری جشن، شادی، ناشادی، آیین‌های سنتی و عرفی، اعتقادات مذهبی و دین‌باوری از باورداشت‌های آیینی محسوب می‌شوند (داودی حموله، ۱۳۹۳: ۱۷۴). آیین‌ها بازتاب‌دهنده و دربردارنده‌ی بسیاری از مؤلفه‌های فرهنگی و بخشی از میراث ناملموس یک جامعه هستند. آیین در جایگاه کنشی انسانی، نمادین، جمعی و تکرارشونده در زندگی انسان امروز که به‌سوی دور شدن از معنای امور و درآمدن بیش از پیش به جسم و کمیت امور سیر می‌کند، نقش روشنی دارد. کاربرد اشیاء در بیشتر آیین‌ها امری نهاده بوده و گاه برخی آیین‌ها پیرامون محور یک شیء برگزار می‌شوند (محتشم و سامانیان، ۱۳۹۶: ۱۰۴):

یکی از مؤثرترین شیوه‌هایی که مردم با استفاده از آن می‌توانند فهم دینی خود را به شکلی نمادین پیوسته، ترویج، تأیید و منتقل کنند، رسانه‌ی چندمنظوره‌ی آیین (Brunton, 1980: 734) است. این رسانه، آن‌طور که گیرتز (Geertz, 1973: 119-116) بیان می‌کند الگویی از هستی و الگویی برای هستی ارائه می‌کند و در عرصه عقاید و اعمال، کنش‌های انسانی را سامان می‌دهد (گیویان، ۱۳۸۵: ۱۸۱). اصطلاح آیین در قرن نوزدهم به‌مثابه یک مقوله جهانی از تجربه‌های بشری پدید آمده است (Bell, 1992: 14). از این اصطلاح برای تبیین

دین استفاده شد و سپس ساختارگرایان فهمیدند که می‌توانند از آن برای تحلیل جامعه و سرشت پدیده‌های اجتماعی سود برند (گیویان، ۱۳۸۵: ۱۸۱).

هر آیین یک واقعیت معنوی را بیان می‌کند (کمپل، ۱۳۷۷: ۱۱۹). در بیشتر جوامع آیین‌ها چند لایه هستند (پورتقی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۹۲). آیین‌ها ابزارهای قدرتمندی برای واشکافی لایه‌های تو در تو نمایش اجتماعی هستند؛ زیرا عمیق‌ترین و درونی‌ترین ارزش‌های فرهنگی را که این نمایش اجتماعی در آن تعبیه شده است و به اجرا درمی‌آید آشکار می‌کنند (Turner, 1984: 82). دورکیم معتقد است که گرد هم آوردن مردم در فواصل زمانی منظم و حفظ خطوط ارتباطی و همکاری آن‌ها، از مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی آشکار مراسم آیینی است که از طریق یکپارچه‌سازی جامعه، باعث اعتبار بخشیدن به وضع موجود مراسم آیینی و در کارکردی نهان، سبب ثبات اجتماعی (کاهش کشمکش‌ها و انتقال غیرمستقیم ارزش‌ها و آداب و رسوم به نسل‌های دیگر) و وحدت افراد در سطح جامعه می‌شود (دورکیم، ۱۳۹۶: ۴۸۰). در واقع مناسک و مراسم دینی و فرهنگی سبب حرکت و گردهمایی گروه‌هایی از مردم می‌شود (آقاخانی بیژنی و محمدی فشارکی، ۱۳۹۹: ۲۶)؛ بنابراین نخستین اثر آن‌ها نزدیکی، افزایش تماس و صمیمیت میان افراد است (دورکیم، ۱۳۹۶: ۴۸۰). از کارکردهای مهم مناسک، تحکیم و تثبیت روابط اجتماعی میان انسان‌ها و تضعیف یا زایل نمودن تنش‌ها و تعارض‌هایی است که نظم اجتماعی را به چالش می‌کشد و تعهدات افراد را به رعایت حقوق و وظایف متقابل اجتماعی تنزل می‌دهد و موجب انسجام اجتماعی و سبب افزایش نظارت و کنترل اجتماعی می‌شود (کیانی و سمیعی اصفهانی، ۱۳۹۶: ۵۸). آیین‌ها، جشن‌ها و مناسک مربوط به آن‌ها، به تثبیت جامعه، بازسازی اخلاقی مثبت و وحدت‌آفرین کمک می‌کند؛ بنابراین وجود جشن‌ها و آیین‌ها با انجام فعالیت‌های نمادین، همواره سبب تقویت همبستگی، اتحاد مردم (در صورت‌های آشکار و پنهان)، افزایش اقتدار و مشروعیت، بازتولید جامعه، هویت ایرانی و حفظ فرهنگ ایرانی می‌شود و به همین دلیل است که چنین آیین‌ها و جشن‌هایی هر ساله انجام می‌شوند (آقاخانی بیژنی و محمدی فشارکی، ۱۳۹۹: ۲۵).

افراد از برگزاری آیین‌ها احساس خوشنودی، شادمانی، آسودگی می‌کنند (همان: ۲۶)؛ بنابراین، برگزاری آیین‌ها سرخوشی، امنیت خاطر و امنیت روانی را به دنبال دارد. گفتگوی بین‌ملت‌ها در برگزاری آیین‌ها بیشتر شده و افراد با همدیگر صحبت می‌کنند و گفتمان صلح و دوستی شکل می‌گیرد. افراد در این‌گونه مراسم با کسانی که اختلاف دارند نیز با دوستی و مهربانی رفتار و گفتگو می‌کنند و کدورت‌ها را کنار می‌گذارند. مدل گفتگوها در مراسم‌ها و آیین‌های ملی که جهان‌شمول هستند، عموماً از صلح‌آمیز، توأم با مهربانی، دوستی و آشتی با همه‌ی مردمان جهان است.

امروزه فرهنگ و عنصر فرهنگی نقش بسیار مهمی در قدرت نرم کشورها ایفا می‌کنند. ایجاد جامعه‌ی جهانی بر پایه‌ی صلح و دوستی به ابزارهای مختلفی از جمله گفتگو نیاز

دارد و رسوم و آیین ملت‌ها ابزار مهمی برای برقراری این گفتمان است؛ از این رو شناسایی نقش و کارکردهای آیین‌های ایرانی در رسیدن به اهداف صلح‌آمیز و ایجاد پایگاه جهانی برای گفتمان، بسیار مهم و ضروری است.

ایران جایگاه جغرافیای فرهنگی (ژئوکالچر) کانونی و مهمی در گستره‌ی تمدن ایرانی دارد. مطالعات مختلف نشان می‌دهند که بن‌مایه و ریشه بسیاری از آیین‌ها در این منطقه، معطوف به فرهنگ باستانی و کهن ایرانی است (ماکویی، ۱۳۹۵: ۷۵). مسئله‌ی کم‌توجهی به همه‌ی ابعاد آیین‌های ایرانی، مورد کنکاش و کاوش قرار نگرفته است. کارکردهای آیین‌های مختلف کمتر مورد تحقیق قرار گرفته است؛ بنابراین شناسایی نقش و کارکرد آن‌ها، می‌تواند باعث برون‌رفت از برخی از مشکلات دیپلماسی‌ها و روابط بین‌کشورها و منطقه شود. منطقه می‌تواند جغرافیای ایران فرهنگی، مناطق مربوط به اقوام ایرانی و مناطقی که اهداف سیاسی و روابط دیپلماسی مورد نظر دارند، باشد. فرهنگ و آیین‌های ایرانی در همه‌ی این مناطق قابلیت ایجاد گفتمان تازه و صلح و آرامش بین‌آحاد ملت‌ها و دولت‌ها دارند.

روش تحقیق

این مطالعه از لحاظ ماهیت توصیفی و از نظر هدف، تحقیق بنیادی و روش پژوهش، کیفی است. محققان از داده‌های ثانویه استفاده کرده‌اند که این داده‌ها از مقالات تحقیقی، نشریات، وب‌سایت‌ها و... جمع‌آوری شده است. هدف این پژوهش تبیین نقش و کارکرد آیین‌های ایرانی در صلح و امنیت منطقه است.

این تحقیق سعی دارد این فرضیه را بیان کند که آیین‌های ملی ایرانی، توانایی برقراری صلح و دوستی بین کشورهای منطقه و کشورهایی با اشتراکات تاریخی و فرهنگی برای کشور ایران دارد. در این پژوهش، ضمن توصیف نقش و کارکرد آیین‌های ملی ایران، به صلح و امنیت منطقه در سایه آیین‌ها پرداخته می‌شود.

یافته‌ها

آیین‌هایی مانند نوروز، چهارشنبه‌سوری، سیزده به در مراسم شب یلدا، اعیاد فطر، قربان، غدیر، عاشورا و تاسوعا و... به نوعی تقویت‌کننده‌ی همبستگی و هویت ایرانی است (مرشدی زاده، ۱۳۸۷: ۹۳). در این پژوهش به آیین‌هایی که در ایران مرسوم هستند و به صورت عام مورد توجه قرار دارند، پرداخته می‌شود.

نقش آیین نوروز در صلح و امنیت

یکی از آیین‌های باستانی که در فرهنگ تمدن ایران ریشه دارد، آیین نوروز است. تاریخ دقیق شکل‌گیری این آیین چندان روشن نیست، اما امروزه یکی از آیین‌های مشترک

در حوزه تمدنی ایران محسوب می‌شود. نوروز از جمله آیین‌های با شکوه فرهنگ غنی ایران به حساب می‌آید. این آیین، جشنی بنا شده بر باورهای عمیق مردم این حوزه تمدنی و فراتر از یک جشن ملی و آیینی است. نوروز، رسمی متعلق به روزگاران کهن و اساطیر سرزمین ایران است (ماکویی، ۱۳۹۵: ۸۱). آیین نوروز، هویتی ملی دارد و افراد را با باورهای مختلف، در این هویت ملی و جشن غرورآفرین به یگانگی می‌رساند. در این آیین، مجموعه‌ای از آداب، سنت‌ها و نمایش‌های آیینی وجود دارند که هر کدام، گنجینه‌ای از فرهنگ مردم این سرزمین را نمایش می‌دهند (همان: ۸۱). نوروز، عید باستانی ملت ایران از اعیادی است که در تمامی سرزمین‌هایی که زمانی قلمروی ایران بوده‌اند، رواج دارد. این مراسم در برخی از کشورهای حوزه تمدن ایرانی، از جمله تاجیکستان به صورت عمومی و کارناوالی برگزار می‌شود (مرشدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۹۳). این آیین باستانی، علاوه بر ایران در بسیاری از کشورهای جهان نیز جشن گرفته می‌شود و در حال تبدیل شدن به نماد جهانی است (سلیمی، ۱۳۹۰: ۴۵). نوروز یکی از آیین‌های برجسته در زمینه‌ی فرهنگ مشترک و عاملی برای همگرایی فرهنگی میان ایران و کشورهای حوزه تمدنی ایران محسوب می‌شود. این آیین علاوه بر ایران در دیگر کشورهای حوزه تمدن ایرانی، از جمله آسیای مرکزی، قفقاز، کشورهای همجوار ایران در غرب و شرق مثل عراق، ترکیه، کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس، پاکستان و حتی مناطق دیگر از جمله بالکان و شبه قاره هم جشن گرفته می‌شود (سازمند، ۱۳۹۷: ۹۱). نوروز تلاش ایرانیان برای همزیستی آشتی‌جویانه جوامع بشری است (عباس‌زاده کناری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۴). آیین نوروز در عین داشتن وجه پیوستاری زیست‌ایرانی و نوعی همگونی و همبستگی فکری، از بنیان‌های طبیعی برخوردار است که امکان تسری و پذیرش در آن، فراوان است و نگاه خاص‌گرایانه ندارد که مانع همزیستی و پذیرش و دوستی میان ایرانیان و غیرایرانیان باشد (غریاق زندی و ماکویی، ۱۳۹۸: ۱).

نوروز یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های پیوند اجتماعی در بین مردم ایران است. پیوندهای اجتماعی از قبیل آداب و رسوم و مراسم آیینی وحدت ملی مردم یک سرزمین را به وجود می‌آورند و ارتباط نسل‌های حال و آینده را با گذشته‌ی تاریخی‌شان برقرار می‌سازند و در نتیجه موجب تقویت هویت ملی می‌شوند. در سرزمین ایران، نوروز از قدیم‌الایام چنین جایگاهی داشته و توانسته است پیوند وثیق و محکمی را بین اقوام و طوایف مختلف ایرانی با انواع گویش‌ها، لهجه‌ها و اعتقادات مذهبی به وجود آورد و به‌رغم تعدد اقوام و ادیان و مذاهب در سرزمین ایران، همه افراد در ایرانی بودن، احساس مشترک دارند و این هویت جمعی مشترک، همواره سد محکمی در برابر توطئه‌های خارجی و دسیسه‌های تجزیه‌طلبانه داخلی بوده است (فتح‌اللهی، ۱۳۹۵). نوروز یکی از مؤلفه‌های تحکیم هویت ملی است (قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۱؛ سالم و غفاری هشتجین، ۱۳۹۵) و در بین آیین‌های ملی شناخته‌شده در جهان، نقش مهمی ایفا می‌کند. مؤلفه‌های فرهنگی و آیینی نوروز برای دوستی، صلح،

شادی، همگرایی جهانی فراهم می‌کند. از این رو نوروز توانایی نمایاندن چهره‌ای خوب از ایران در سطح جهان دارد. این آیین مورد توجه و اقبال جهانیان قرار گرفته است و توانایی همگرایی و همفکری جهانی صلح و دوستی را دارد و می‌تواند به نمادی از آرامش، همزیستی مسالمت‌آمیز، روزهای بدون جنگ و نزاع در سطح جهان تبدیل شود. نمود کارکرد صلح آیین‌ها، برآمده از مناسک و جشن‌هایی است که در مناطق و کشورهای مختلف برگزار می‌شود. این آیین‌ها در شکل‌های مختلف می‌تواند کارکردهای صلح‌آمیز را نمایان سازد. با برگزاری جشن‌های نوروز، برگزاری مسابقات ورزشی بین‌المللی، رونق گرفتن گردشگری بین‌المللی، دادوستد در مناطق گردشگری و مرزی و سایر رویدادهای فرهنگی مردمان مختلف جهان به این بهانه گرد هم می‌آیند و شناخت بهتری از یکدیگر پیدا می‌کنند. در همین راستا، گفتمان صلح و دوستی در بین شکل می‌گیرد.

نقش آیین شب یلدا در صلح و امنیت

قریب به هفت هزار سال پیش نیاکان ما به دانش «گاه‌شماری» دست پیدا کردند و دریافته‌اند که نخستین شب زمستان تاریک‌ترین و طولانی‌ترین شب سال است و در این شب آیین و رسوم خاصی انجام می‌دهند. از دلایل عمده‌ی برپایی این آیین کهن، شب زادروز یا جشن ظهور میترا (خورشید)، جشن میلاد بوده است (مرادی غیاث‌آبادی، ۱۳۸۷: ۴۷). یلدا آیینی ملی است که با گذر زمان سینه‌به‌سینه و نسل به نسل منتقل شده و مشخصه‌های ارزشمندی در فرهنگ‌عامه بر جای گذاشته است (شایسته‌رخ، ۱۳۹۰: ۱۰). آیین شب یلدا در کشورهای دیگر از جمله آذربایجان، افغانستان، پاکستان، تاجیکستان، هند، ژاپن، کره، چین، فیلیپین، تایلند، ویتنام، کارولینا، ویرجینیا، جامائیکا، باهاماس، غرب آفریقا، بولیوی، پرو، اکوادور، اسکاتلند، ایرلند، کانادا، روسیه و... برگزار می‌شود؛ اما در کشورهای مختلف نام‌ها و آیین‌های مختلف و مربوط به خود دارد.

آیین شب یلدا به علت هم‌زمانی با ماه شروع کریسمس از منظر پذیرش عقلی برای جهانیان بسیار مقبول است. این جشن علاوه بر اینکه در فرهنگ برخی از کشورهای دیگر جهان نیز وجود دارد، به‌عنوان مقدمه‌ای برای جشن مهم‌تر و جهانی دهم دی‌ماه، نقش ایفا کند. جشن یلدا باعث همگرایی و دوستی بین مردم می‌شود. ابراز شادباش به همدیگر و دیدوبازدید از خانواده و بزرگان فامیل و آشنایان باعث اشاعه دوستی در جامعه می‌شود و فرهنگ سنتی جامعه در شرایط مدرن بازتولید می‌شود.

نقش آیین خون‌بس در امنیت روانی و صلح

هرچند در سایر جرائم نیز ریش‌سفیدان با میانجیگری و وساطت اختلافات را حل می‌کنند و تقریباً به‌غیر از اختلافات جزئی به‌ویژه در اجرای مراسم خاص، خون صلح فرایندی یکسان را برای اخذ رضایت طی می‌کنند. پس از وقوع قتل، افراد طایفه مقتول باید رابطه‌ی خود را با طایفه‌ی قاتل قطع کنند و اگر دیدار میان افراد طایفه‌ی مقتول با افراد طایفه‌ی قاتل ثابت شود، آن فرد یا هر وابسته دیگر به‌عنوان خبرچین مورد بی‌حرمتی

قرار می‌گیرد (رضوی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۱۹). اقدامی که کارکرد حفظ ثبات در جامعه را بر عهده دارد. آیین خون‌بوس در میان برخی اقوام ایرانی، یکی از شیوه‌های برخورد با درگیری‌های شکل گرفته در جامعه است که می‌توان مهم‌ترین کارکرد آن را جلوگیری از نزاع‌های بزرگ‌تر و شدیدتر بین گروه‌های قومی قبیله‌ای، پس از وقوع یک قتل دانست (نامیان و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۹). درباره‌ی حدود تاریخی این رسم، زمان دقیقی در دست نیست. عده‌ای معتقدند که از روزگاران گذشته این سنت وجود داشته و همراه و همپا با زندگی اجتماعی لرها به وجود آمده است؛ به عبارت دیگر می‌توان منشأ آن را زمانی دانست که جامعه‌ی انسانی به صورت قبیله درآمد (ماسوری، ۱۳۸۲: ۷۴). وجود و رواج خون‌بوس در میان اقوام ایرانی از جمله عرب‌ها، بلوچ‌ها و... البته به معنای یکسانی آن در تمام جزئیات نیست و به خصوص در آیین برگزاری، میزان غرامت یا خون‌بها و نوع خون‌بها تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دیده می‌شود که نشان‌دهنده‌ی تغییر این رسم در مناطق مختلف کشور احتمالاً بر اساس میزان توسعه‌یافتگی است (ارجمندی و نوروزی، ۱۳۸۹: ۱). آیین خون‌بوس یکی از قوانین نانوشته در جامعه سنتی ایران است و هنگامی که میان ایلات و عشایر قتلی واقع شود، کاربرد دارد.

دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی، جوامع را به دو جامعه‌ی ساده (مکانیکی) و پیچیده (ارگانیکی) تقسیم می‌کند و معتقد است حرکت جوامع از شکل ساده به طرف پیچیده بوده و همبستگی و نوع دوستی در بین این دو جامعه متفاوت است (ویلیامز و مک شین، ۱۳۸۸: ۱۰۵؛ توسلی، ۱۳۶۰: ۲۷). در جامعه ساده مجموعه‌ای از باورها و احساسات مشترک در بین افراد حکم فرماست. هر مقدار که این احساسات و باورهای مشترک در بین افراد (وجدان جمعی) قوی‌تر باشد، نقض آن، واکنش شدیدتری را از سوی افراد جامعه برمی‌انگیزد. دلبستگی اعضای جامعه برای کمک به هم‌نوعان بسیار شبیه یکدیگر است و تفاوت‌های فردی در بین افراد این نوع جامعه در پایین‌ترین سطح قرار دارد (ویلیامز و مک شین، ۱۳۸۸: ۲۲۱).

خون‌بوس دارای کارکردهای بسیاری است که جوامع سنتی را از وقوع و بروز انواع تعارض‌های قبیله‌ای خانمان‌سوز حفظ می‌کنند؛ زیرا جنگ و درگیری در کنار صلح و آرامش همیشه همراه انسان‌ها بوده و از گذشته‌های دور تا امروز جنگ‌های بزرگ و کوچک مشاهده شده است. به دلیل بروز همیشگی درگیری و نزاع، مردمان جوامع در هر دوره‌ای به فکر حل و فصل اختلافات بوده‌اند که البته برحسب شرایط و شیوه‌ی برخوردشان متفاوت بوده‌اند و راهکارهای خاص خود را داشته‌اند (نامیان و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۹).

اجرای آیین خون صلح به گونه‌ای است که با درگیر نمودن اولیای دم، قاتل و اقوام او، ریش‌سفیدان و جامعه‌ی محلی به احیای روابط از هم گسیخته و مختل شده طرفین می‌پردازد و بیشترین رضایت‌مندی را به دلیل ویژگی‌ها و قابلیت‌های خاص این مراسم از جمله ابراز احساسات، پذیرش صدمات و همدردی با بزه‌دیدگان به دنبال دارد که نهایتاً

موجب ترمیم شکاف و کاهش تنش ایجاد شده می‌شود. این کارکرد در خصوص بزه‌کار نیز صادق است (غلامی و مرادقلی، ۱۳۹۴: ۱۷۶).

سلطانپور (۱۳۹۸: ۹۷) بخشی از این مراسم را بدین گونه شرح می‌دهد که این آداب نشان از کارکردهای دین در جوامع سنتی دارد.

۱- ایجاد نزدیکی و احساس دوستی میان اعضای ایل

۲- حرمت نهادن به دین با آویختن قرآن بر گردن قاتل یا دادن قرآن به دست او و احترام خانواده مقتول به قرآن از طریق عفو قاتل

۳- آموزش حرمت به ارزش‌های دیگر دینی، اجتماعی مانند بستن یکی از بازوهای قاتل به بازوی فردی سید یا روحانی و بازوی دیگر او به شخصی از معتمدان و محترمان طایفه میانی

آیین‌های محلی و قومی در اقوام مرزنشین کشور نظیر کرد، بلوچ، ترکمن و... اشتراکات فرهنگی و آیینی داشته، در برقراری صلح و دوستی تأثیر مستقیم دارند. رویدادهای فرهنگی در این مناطق، مورد استقبال مردم مختلف جهان واقع می‌شود.

نقش آیین‌های دینی و مذهبی در امنیت روانی و صلح

محمد بن عبدالله -مرد امین مکه- در روز بیست و هفتم ماه رجب به پیامبری مبعوث شد. این روز که به عید مبعث معروف است، یکی از اعیاد بزرگ مسلمانان و آغاز تمدن اسلامی است. عید مبعث در کنار اعیاد دینی و مذهبی دیگر نظیر عید قربان، عید غدیر، عید فطر و... می‌تواند در همبستگی بین جهان اسلام همگرایی زیادی ایجاد کند و صلح و دوستی را در کشورهای مسلمان افزایش دهد.

برگزاری آیین سوگواری عاشورا در مناطق مختلف، ویژگی‌هایی دارد که هویت آن منطقه را شکل می‌دهد؛ به‌عنوان مثال مراسم و مناسک عاشورا در ماسوله‌ی گیلان، ایبانه‌ی کاشان، آیین نخل‌گردانی در گستره‌ی جغرافیایی و فرهنگی کویر مرکزی ایران، آیین قالی‌شوین در مشهد اردهال کاشان، مراسم سنتی تشنه‌گذاری در عزاداری ایام عاشورا در شهرستان اردبیل و... به هویت منطقه‌ای تبدیل شده است و این جذابیت‌های فرهنگی مذهبی برای گردشگران مهم و دیدنی است.

مناسک مختلف دینی و مذهبی به شیوه‌ها و آیین‌های مختلفی از جمله مراسم حج، تعزیه‌خوانی و... برگزار می‌شود. این گونه از نمایش‌ها برای جوامع مختلف بشری و به‌خصوص برای کشورهای با اشتراکات فرهنگی، دینی- مذهبی حائز اهمیت است و باعث مودت و دوستی بین مسلمانان می‌شود.

نقش آیین‌های نمایشی در امنیت روانی و صلح

جایگاه و اهمیت نمایش‌های آیینی امری است که تمامی پژوهشگران بر آن واقف‌اند. بی‌شک آیین‌ها پدیده‌های اجتماعی معناداری هستند که در گذر زمان به گونه‌ای سرگرمی

یا نمایش تقلیل یافته‌اند. شناخت این آیین‌ها و اسطوره‌های مرتبط با آن‌ها به ما کمک می‌کند تا جهان‌بینی نهفته در آن‌ها را بازشناسیم و این به معنای درک و شناخت فرهنگ غنی آن جامعه است (مختاریان و واعظ شوشتری، ۱۳۹۶: ۱۱۳). در برخی از شهرهای اروپا از جمله شهرهایی از کشورهای چک، اسلواکی، مقدونیه، اسلونی، آلمان، اتریش مراسمی با ویژگی‌های مشابه آیین‌های رایج در ایران، در زمانی مشابه (آغاز یا پایان زمستان) با اعمال و فقره‌های نمادین مشترک برگزار می‌شود (مختاریان و واعظ شوشتری، ۱۳۹۶: ۹۸).

کارکرد آیین اسب چوبی در سبزواری و نقش آن در صلح اقوام

آیین‌های عروسی قدمتی به‌اندازه تاریخ بشریت دارند که نمودی از جهان‌بینی مردمان آداب‌ورسوم و شرایط زیستی آنان است. مردمان این سرزمین به دلیل تاخت‌وتاز دشمنان همیشه در معرض خطر بوده‌اند. آن‌ها این روحیه جنگاوری و آمادگی دفاع از وطن خود را همه‌جا و در همه‌ی شرایط حفظ کرده‌اند. اسب چوبی نمایشی ترکیبی از فردی است که بر اسب چوبی سوار است. نیم‌تنه‌ی مرد، سر و بدن اسب به شکلی با هم ادغام می‌شوند که گویی مرد سوار بر اسب است (سجادی، ۱۳۹۸: ۸۲). وجوه مشترک تمام این اجراها، حضور نوازندگان سرنا و دهل، رقصنده یا چوب‌باز شمشیر به دست داخل اسب چوبی است. در برخی از اجراها غلام سیاهی با ظاهر و حرکاتی مضحک حضور دارد و در برخی دیگر تعدادی رقصنده یا چوب‌باز گرداگرد اسب چوبی با او چوب بازی می‌کنند (درویشی، ۱۳۸۰: ۷۸). آیین نمایشی اسب چوبی، نمایشی مردمی است که در برخی نقاط ایران از جمله سبزواری، گیلان، سمنان، هرمزگان و سیستان برگزار می‌شود (مقصودی و غربی، ۱۳۹۲: ۱۶۴). این مراسم معمولاً در آیین‌های شادی و در مناطق مختلف به صورت گوناگون اجرا می‌شود؛ اما اجرای کلی آن در مناطق مختلف تقریباً مشابه هم است (سجادی، ۱۳۹۸: ۸۴). اسب چوبی که کارکردی حماسی و دفاعی دارد، نمادی از ستم‌ستیزی نبرد با دشمنان است (عباسی و خندقی، ۱۴۰۰: ۵۰). شکل‌گیری اندیشه حماسی و دفاعی در بین کودکان و مخاطبان این بازی باعث پایداری و تقویت مقاومت در برابر دشمنان و همچنین بازتولید فرهنگ مقاومت در جامعه می‌شود و در سایه آن برای جامعه صلح و امنیت به وجود می‌آید.

کارکرد آیین کوسه‌نشین در امنیت روانی و صلح

مختاریان و واعظ شوشتری، (۱۳۹۶: ۱۰۲) آیین کوسه‌نشین را چنین تعریف می‌کنند:

یکی از رسومی که در بسیاری از استان‌های ایران در اواخر زمستان برگزار می‌شود و با اجرای اعمالی چون گرفتن نثار از مردم برای خوش‌یمنی سال همراه است «کوسه» نام دارد. انجام این مراسم در استان‌ها و شهرهای آذربایجان، کردستان، زنجان، همدان، اراک و مهاباد گزارش شده است. هم‌چنین منطقه‌ای در کناره‌های دریای خزر، در گیلان و مازندران نیز رواج دارد. نمایش‌هایی مشابه در جمهوری آذربایجان، نواحی بالکان از جمله یونان، اروپای شرقی و مرکزی نیز نمایش‌های مشابهی به چشم می‌خورد. در

ایران این مراسم با نام‌های متفاوت از جمله کوسه‌برنشین، کوسا، آق کوسا قارا کوسا، کوسه برومیندن، کوسه چوپانان، کوسه گردی، رکوب الکوسج، کوسه ووهوی (به کردی) شناخته می‌شود.

این نمایش‌ها باعث ماندگاری گفتار و تفکرات گذشتگان در نسل بعدی و آینده می‌شود. معمولاً نمایش‌های آیینی نگاه پهلوانی، دوستی، صلح، کمک و نوع دوستی دارد و این رویکرد را به نسل‌های آینده منتقل می‌کند؛ از این رو نباید نسبت به آیین‌های نمایشی ملی و محلی بی‌توجه بود و آن‌ها را فراموش کرد. بازتولید و تکرار مداوم این نمایش‌ها و استفاده از این توانمندی آیینی در رویدادهای مختلف ملی و جهانی باعث قوام و دوام فرهنگ و آیین‌ها می‌شود. پاسداشت فرهنگ و آیین‌ها باعث تولید امنیت و گفتمان دوستی در بین اقوام و اقشار مختلف می‌شود.

نقش بازی‌ها و اهمیت آیینی آن‌ها در امنیت روانی و صلح

بازی‌ها و سرگرمی‌های بومی و سنتی، در کنار قصه‌ها، افسانه‌ها، ترانه‌ها و سایر آداب و رسوم، به‌عنوان یکی از ستون‌های استوار فرهنگ بومی و برخاسته از اراده و خرد جمعی، برحسب انطباق با علایق ذوقی، هنری و فرهنگی جامعه می‌توانند به‌مثابه بخشی از هویت بومی - قومی ایران گسترش و عمومیت یابند به‌نحوی که به‌عنوان عنصری هویت‌ساز که ریشه در گذشته آیینی و اسطوره‌ای ایران دارد، فرهنگ‌ساز بوده و هویت فرهنگی جامعه را در وجود کودکان به آینده ببرند (احمدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۵۴؛ خدادادی و عسکریان، ۱۳۸۹: ۲۷؛ Cashman, 2002). بازی‌ها از عناصر هویت‌ساز در فرهنگ ایرانی به شمار می‌آیند و از این رو بازی‌های سنتی و کهن ایرانی از گذشته‌های دور در آثار هنری و ادبی ایرانیان بازتابی وسیع داشته است (کریم‌پور، ۱۳۹۴: ۱۹۶). بازی‌های بومی و محلی به سبب ارتباط محکم و جدانشدنی با ذائقه‌ی فرهنگی، می‌تواند به‌عنوان یکی از عناصر هویت‌ساز، نقش ویژه‌ای در بسترسازی و تحقق هویت ایرانی داشته باشد. با گسترش زندگی مدرن و بی‌توجهی به درون‌مایه‌ی اخلاقی و تربیتی، این بازی‌ها در مقایسه با دیگر آیین‌ها و سنت‌ها، کمتر مورد توجه قرار گرفته و فراموش شده‌اند (پاپزن و همکاران، ۱۳۹۹).

امروزه بازی‌ها توسعه یافته و به ورزش تبدیل شده‌اند، برخی از آن‌ها مانند ورزش زورخانه‌ای باستانی و ورزش چوگان هویت ملی و تاریخی و ارزش‌های فرهنگی ویژه‌ای دارند و در جهان به نام ایران شناخته شده‌اند. این ورزش‌ها از آداب، رسوم و آیین‌های خاصی برخوردارند که باعث تمایز این ورزش‌ها از ورزش‌های متداول شده است. توجه به ارزش‌های فرهنگی این بازی‌ها و استفاده از فرصت‌های همگرایی فرهنگی با کشورهای با مشترکات فرهنگی باعث بهبود و توسعه فرهنگ ایرانی در سطح جهانی و منطقه‌ای می‌شود.

موسیقی و آواز در گسترش علاقه و ایجاد شور و اشتیاق در بین ورزشکاران و تماشاچیان

همواره نقش مهمی داشته است و حضور گروه‌های مختلف اجتماعی را به همراه داشت و باعث افزایش علاقه‌مندی اقشار مختلف به‌خصوص صاحب‌منصبان، شاهان، مقامات لشکری و... می‌شد. امروزه نیز موسیقی و حرکات هماهنگ و آوازهای محلی و ملی تأثیرات فزاینده‌ای بر عملکرد رویدادهای ورزشی دارند. ورزش‌هایی مانند چوگان، ورزش باستانی زورخانه‌ای و ... که اصالتاً ایرانی هستند، چه در گذشته و چه حال با موسیقی همراه بوده‌اند.

نقش بازی چوگان در صلح و امنیت

بازی چوگان یکی از قدیمی‌ترین بازی‌های ورزشی ایران است و نام و شرح و رسوم آن در کتب تاریخ، لغت، قصص و افسانه از دوران ساسانیان تا اواخر صفویه و زندیه موجود است (بهروز، ۱۳۴۶: ۶۶). کهن‌ترین سند بازی‌های ایرانی، کتاب کارنامه‌ی اردشیر بابکان است که در آن به بازی‌هایی چون نرد، شطرنج و چوگان اشاره شده است (کریم‌پور، ۱۳۹۴: ۱۹۶). طبق شواهد و اسناد موجود، خاستگاه بازی چوگان ایران است. در ایران قدیم، این بازی را به‌عنوان یک بازی ملی می‌شناختند و در مناطق مختلف ایران بیشتر در طبقه‌های مرفه کشور انجام می‌شد.

از مکان‌های معروف بازی چوگان در ایران، می‌توان به تنگ چوگان در استان فارس، میدان نقش جهان اصفهان، آذربایجان، گیلان، مازندران، قزوین و... اشاره کرد. تنگ چوگان تنگه‌ی باریکی است که در دیواره‌های آن نقوش برجسته‌ی زیادی از دوران ساسانیان نقش بسته است. از آنجاکه این تنگه در نزدیکی شهر باستانی بیشاپور قرار دارد، شاه و درباریان در این مکان به این بازی می‌پرداخته‌اند. بازی چوگان در سال ۲۰۱۷ در دوازدهمین اجلاس کمیته بین‌الدول کنوانسیون حفاظت از میراث ناملموس یونسکو در کره جنوبی با عنوان «چوگان، بازی سوار بر اسب همراه با موسیقی و روایتگری» به نام جمهوری اسلامی ایران ثبت جهانی شد (مولادوست و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۵). بازی‌ها در فرهنگ و هویت ملی نقش مهمی دارند. آمیختگی بازی چوگان با سایر ارزش‌های فرهنگی نظیر اسطوره‌ها، تاریخ، ادبیات، معماری و... موجب شده است تا ارزش این بازی غیرقابل انکار باشد؛ بنابراین ایرانیان موظفند از آن نگهبانی و پاسداری کنند.

بازی چوگان ارزش‌های فرهنگی منحصر به فردی دارد که نشانگر غنای سرزمینی ایران زمین است. علاوه بر جنبه فراغتی، آمادگی جسمانی برای سپاهیان سواره و طبقات مرفه جامعه، جنبه‌ی آیینی نیز داشته است. کشور در سایه سلامت جسمانی و روانی به منابع انسانی سالم دست می‌یابد. سرمایه انسانی سالم توانایی دفاع در برابر دشمنان را دارد و می‌تواند در برابر حملات آن‌ها مقاومت کند. بازی چوگان در گذشته نیز در بین نظامیان رواج داشت و به‌عنوان مشق رزم استفاده می‌شد. این بازی روح سلحشوری، چابکی، دلاوری، پهلوانی و شجاعت را در جامعه رواج می‌دهد.

کارکرد ورزش‌های باستانی در صلح و امنیت

آیین‌ها و ادیانی مانند آیین مهری و دین زردشتی پیش از اسلام، بر این ورزش باستانی تأثیر گذاشته‌اند. پس از اسلام نیز جلوه‌هایی از رفتارهای اجتماعی و دینی مانند عرفان و تصوف، آیین فتوت و مذهب تشیع در آن نمود پیدا کرده است. این جلوه‌ها هم در ظاهر این ورزش (شیوه‌ی لباس پوشیدن، مکان ورزش، گفتار ورزشکاران و...) و هم در کردار آنان (پاکدامنی، سحرخیزی و...) تأثیر گذاشته است (حیدری و دولت‌شاه، ۱۳۹۱: ۵۷). ورزش‌های زورخانه‌ای میراث معنوی و فرهنگی مردم ایران و منطقه است. این ورزش سنتی علاوه بر برخورداری از جنبه‌های فرهنگی و هنری در تقویت قدرت، استقامت و هماهنگی عضلات اسکلتی بدن مؤثر است. ورزش زورخانه‌ای ساختاری منحصربه‌فرد دارد. عناصر ارزشی، ادبی، حماسی و عرفانی با بیان گرم و ضرب و زنگ مرشد به شکلی جذاب ارائه می‌شوند. مرشد یا کهنه‌سوار باید از لهجه‌ای شیرین و پنجه‌ای هنرمندانه برخوردار باشد، حقوق و کسوت افراد را رعایت کند (آقاجانی و جلال کمالی، ۱۳۹۱: ۳۱). اعتقاد به ملی بودن و احساس تعلق نسبت به زورخانه در میان باستانی‌کاران بسیار قوی است. آن‌ها زورخانه را همان وطن می‌دانند، احترام زیادی برای وطن و به تبع آن برای زورخانه قائل می‌شوند. علاقه به وطن را در قوانین زورخانه هم می‌توان دید، به طوری که حتماً باید قسمتی از اشعار مرشد در وصف وطن یعنی ایران باشد. مرشد در این زمینه می‌گوید (بوستانی و امینی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۱۶): «این ورزش، ورزش ملی مذهبی ماست، زورخانه یعنی وطن، زورخانه یعنی ایران، هیچی بهتر از ایران خودمان نیست. من مرشدم و مرشد باید حتماً یک شیفت حماسی بخونه، آن هم در وصف ایران عزیزمان».

می‌توان دلیل علاقه‌ی مفرط ایرانیان باستان به تربیت رادمردی و قهرمانی را در وجود لغات متعدد برای قهرمانان و صفات قهرمانی در زبان پارسی مشاهده کرد. کلماتی نظیر قهرمان، گو، گُرد، دلیر، دلاور، جوانمرد، آزاد، آزادمرد، راد، رادمرد، هژبر، نامور، اردشیر، نامبردار، نیو، نیوزاد، بهادر، آریا نامدار، پهلوی، پهلوان، نبرده، شیرگیر، شیرمرد و... که دلیل واضحی بر صحت این مدعاست (میرئی، ۱۳۴۹: ۱۵). امروزه ورزش باستانی در بسیاری از کشورها نظیر آذربایجان، افغانستان، اوگاندا، اندونزی، بلاروس، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه، سنگاپور، کامرون، کره جنوبی، عراق، کوبا، کنیا، گواتمالا، هند و... رایج است؛ بنابراین می‌توان از این ورزش و آیین باستانی برای صلح و دوستی و ترویج فرهنگ ایرانی بهره برد و دیپلماسی فرهنگی ورزشی را در منطقه اجرا کرد.

روح ورزش باستانی با منش پهلوانی عجین بوده و جامعه‌ی ورزشکار را به رعایت اصول اخلاقی و انسانی ملزم می‌کند. ترویج این بازی در بین آحاد جامعه و کشورهای منطقه باعث اشاعه دوستی و صلح می‌شود. رویدادهای این بازی می‌تواند جذابیت‌های فرهنگی و آیینی دیگر را نیز با خود به همراه داشته باشد. حضور اقشار مختلف مردم در این گونه از رویدادها باعث ایجاد شور و نشاط می‌شود و کشور را در حالت آرامش و امنیت قرار

می‌دهد.

نقش آیین بزرگداشت کوروش در صلح و امنیت

تخت جمشید یا (پرسپولیس، پارسه، پرسه پلیس، هزارستون، صدستون، یا چهل منار)، یکی از مهم‌ترین محوطه‌های تاریخی جهان است که در ۲۴ شهریور ۱۳۱۰ خورشیدی، مطابق نامه شماره ۵۴۰۷۸/۱۸۵۲ مورخ ۷ بهمن ۱۳۱۳ وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه ثبت ملی شده است و در سال ۱۳۵۸ خورشیدی برابر با سال ۱۹۷۹ میلادی در فهرست میراث جهانی به ثبت رسید (عبدالهی و سامانیان، ۱۳۹۷: ۱۸۶). بروز حس ملی‌گرایی در پیوستگی با آثار تاریخی در ابتدای سده‌ی هجدهم میلادی در اروپا آغاز و تأثیر آن بعدها با گذشت سالیان در ایران مشاهده شد. نوعی ارتباط تازه میان انسان و اثر یا رویداد تاریخی که به واسطه‌ی گذشت زمان، شکاف و فاصله‌ی تاریخی جدیدی بینشان ایجاد شده بود به وجود آمد (عبدالهی و سامانیان، ۱۳۹۷: ۱۸۶)؛ در واقع این فاصله یا شکاف به انسان امکان می‌داد تا رویکردی واقعی‌تر و علمی‌تر نسبت به گذشته و تاریخ داشته باشد، ولی در عین حال این دانش یا آگاهی تاریخی به خودی خود تضمین‌کننده‌ی تداوم و حفظ اثر یا رویداد نبود؛ بنابراین انسان برای پُر کردن این شکاف و حس دلتنگی نسبت به گذشته، تاریخ باوری را با ملی‌گرایی ترکیب کرد (Philippot, 1972: 269). افتخار به گذشتگان معمولاً در همه‌ی جوامع بشری و انسان‌ها وجود داشته و امری بدیهی است و هر ملتی به برخی از گذشتگان و رهبران خود بیشتر افتخار می‌کنند. نام‌آوران شناخته‌شده‌ی جهان همواره برای نسل‌های بعد از خود الگو و مورد احترام هستند. افراد آزاداندیش و صلح‌جو در ترویج اندیشه‌ی صلح و دوستی در جامعه نقش مهمی دارند؛ بنابراین اندیشه‌ی کوروش که مبتنی بر حقوق بشر بوده و منشور حقوق بشر برگرفته از ارزش‌های فکری اوست، برای مودت و دوستی بین ملت‌ها نقش مهمی دارد. بزرگداشت کوروش در همه‌ی جوامع انسانی پذیرفته شده است؛ بنابراین، برگزاری آیین‌های مختلف در بزرگداشت کوروش باعث نزدیکی ملت‌ها می‌شود. این نزدیکی با اندیشه صلح و دوستی در جهان پایدار بوده و آثار ماندگاری به جای می‌گذارد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به نقش و کارکرد آیین‌های ملی نظیر نوروز، شب یلدا، خون‌بس و آیین‌های دینی و مذهبی، آیین‌های نمایشی از قبیل آیین اسب‌چویی و آیین کوسه‌نشین پرداخته شد. نقش بازی‌ها و اهمیت آیینی آن‌ها مثل بازی چوگان، کارکرد ورزش‌های باستانی و همچنین کارکرد آیین بزرگداشت کوروش در صلح و امنیت منطقه بررسی شد. این کاوش نشان می‌دهد که نوروز با توجه به گستره‌ی فرهنگی بر جهان، بر صلح و دوستی ملت‌ها و جوامع مختلف تأثیر بسیار زیادی دارد. آیین یلدا نیز که از حیث جغرافیایی فراگیر بوده و از حیث زمانی با رویدادهای اعیاد مسیحی نیز قرابت و نزدیکی

دارد، می‌تواند رویداد ملی جهانی به حساب آید. بازی چوگان در جهان از سایر بازی‌های ملی و محلی شناخته شده‌تر است و امکان ارتباط و ایجاد گفتمان صلح و دوستی از طریق این بازی نسبت به سایرین بیشتر است.

نمادها، اسطوره‌ها و آیین‌ها، نظام‌هایی از ارزش‌ها هستند که اگر از سوی نظام سیاسی به‌عنوان ابزارهایی برای اعمال قدرت یا کنترل یا برقراری نظم و همبستگی و یکپارچگی اجتماعی مورد استفاده قرار گیرند می‌توانند حاملان خوبی برای این منظور باشند چراکه در باورها و اعتقادات مردم جای دارند (مقصودی و علی‌پور، ۱۳۹۰). وقتی ارزش‌های مشترک که در قالب ارزش‌های فرهنگی یک ملت نمود می‌یابند مورد توجه حاکمیت و دولت قرار گیرند و این ارزش‌ها در سرزمین آن‌ها به ارزش‌های پایدار و استوار تبدیل شود، امنیت ملی شکل می‌گیرد. ارزش‌های مشترک باعث انسجام و نظم اجتماعی می‌شوند و آیین‌های هر کشور و ملتی حاوی ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده‌ی آن جامعه است. این ارزش‌ها مورد احترام همه‌ی جوامع بشری است.

انسجام فرهنگی در کشور باعث وحدت ملی، احساس تعهد و دلبستگی به وطن و ملت، احساس تعلق به سرزمین و احساس دفاع از سرزمین در برابر دشمنان می‌شود. این احساسات وقتی در ملت و مردمان یک سرزمین قوی باشد، مردمان سایر کشورها را وادار می‌کند که به این مردمان با دیده احترام بنگرند و در تعارض به چنین سرزمینی خودداری کنند.

نظام‌های سیاسی به‌منظور پرورش و تقویت وابستگی‌های سیاسی شهروندان به نظام حاکم، تقویت گرایش‌های گروهی، حس میهن‌پرستی، تسهیل در یادگیری سیاسی بعدی و ایجاد احساس تعلق بیشتر به جامعه سیاسی در نسل جدید، می‌کوشد تا ارزش‌های سیاسی را از طریق انجام آیین‌ها و برگزاری مراسم نمادین در مدرسه به نسل جدید منتقل سازد. آیین‌هایی مثل برپایی مراسم احترام به پرچم، خواندن سرود ملی و سرودهای میهنی، یادآوری خاطره قهرمانان ملی و تاریخی، برگزاری مراسم مذهبی و غیرمذهبی، نصب تصاویر رهبران سیاسی کشور بر دیوار، اطاعت از دستورات معلم، مبصر و سرگروه و انجام فعالیت‌های فوق‌برنامه؛ بنابراین انجام آیین‌ها و مراسم نمادین به دو طریق مهم انجام می‌شود (مقصودی و علی‌پور، ۱۳۹۰):

الف) اجرای چنین آیین‌هایی از یک لحاظ احساس ترس آمیخته به احترام را نسبت به نهادهایی که انجام این آیین‌ها برای آن‌ها صورت گرفته برمی‌انگیزد و حس میهن‌پرستی و وفاداری را نسبت به حکومت و جامعه سیاسی تقویت می‌کند.

ب) اجرای آیین‌ها و مراسم در مدارس آثار گروهی و جمعی دارد. سلام صبحگاهی بر پرچم نمونه‌ای از فعالیت‌های دسته‌جمعی محسوب می‌شود (اخترشهری، ۱۳۸۵، ۴۲۷). آنچه از وضعیت برگزاری آیین‌ها مشاهده می‌شود این است که بیشتر آیین‌های مذهبی مورد توجه حاکمیت قرار دارد و آیین‌های ملی به‌صورت محدود پرداخته می‌شود. امروزه بسیاری از آیین‌های ملی نظیر سده، تیرگان، آبانگان، آذرگان، خرم‌روز و بسیاری از آیین‌های

محلی و منطقه‌ای دیگر مورد توجه نیستند و اجرا نمی‌شوند یا به صورت بسیار محدود در برخی از نواحی برگزار می‌شود و سایر نواحی کشور از این رویدادهای آیینی اطلاع ندارند.

آیین‌ها و سنت‌های کهن چون شب یلدا، برای احیای آموزه‌هایی چون صلح‌رحم، احترام به بزرگان، حفظ مواریت فرهنگی و هویت ملی، پسندیده و نیکو است. ملتی که به تاریخ و گذشته وطنی خود بها دهد و جوانان را با فرهنگ و تمدن خود آشنا کند، بی‌شک در مواجهه با تهدیدها و تهاجم‌های فرهنگی رنگ و بوی خود را حفظ می‌کند چراکه ملتی که اجتماع را با فرهنگ و هویت تمدنی خود آشنا کند، بی‌شک در مواجهه با تقابل فرهنگی، رنگ و بوی خود را نمی‌بازد و به جای تأثیرپذیری از فرهنگ‌های بیگانه بر آنان تأثیرگذار خواهد بود (تقوی‌نسب، ۱۳۹۱: ۶-۷). رسوم و آیین‌هایی که در کشور ما برپا می‌شود، متنوع و گوناگون است. برخی از این آیین‌ها از یاد رفته‌اند یا در برخی از مناطق به شکل محدود و مختصر اجرا می‌شود. برخی دیگر از گذشته‌های دور آغاز شده و تا روزگار حال ادامه دارد و کمتر کسی است که در این پهنه‌ی گسترده و مقدس این رسوم و آیین‌ها را نداند یا ندیده باشد (مؤمنی و همکاران، ۱۳۸۷). آیین‌های ملی و محلی ایران قابلیت توسعه و معرفی به منطقه و جهان را دارد و برای حضور علاقه‌مندان سراسر جهان در کشور به عنوان گردشگر فرهنگی بستر مناسبی وجود دارد. سیاست‌گذاری در این حوزه می‌تواند به دیپلماسی فرهنگی کشور کمک اساسی نماید.

به علت محدودیت‌های قوانین حاکمیتی در نوع شادی و جشن آیین‌های ملی، از برگزاری برخی رفتارها نظیر رقص و آواز در کنار این رویدادها جلوگیری می‌شود. هم‌آوایی مردمانی که برای تماشای رویدادهای آیینی مراجعه می‌کنند، عملاً مشارکت لازم را با این گونه از مراسم ندارند و تماشاچیان منفعل هستند؛ این امر موجب می‌شود مردم کشورهایی که با ایران اشتراکات فرهنگی دارند و به این نوع از آیین‌ها علاقه‌مند هستند برای دیدن و تماشای نحوه‌ی برگزاری مراسم‌های آیینی به ایران سفر نکنند یا میزان بازدید مسافران خارجی بسیار اندک باشد.

تعامل فرهنگی، اغلب به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل سازنده، به‌ویژه در رشد هنر و معماری (طالبیان، ۱۳۸۶: ۸۱)، روابط بین‌الملل، صلح و دوستی، اقتصادی، رفاه، تبادل دانش و فناوری و... مؤثر است. تعامل فرهنگی به میزان تأثیرگذاری و توانایی اثربخشی فرهنگ بستگی دارد. فرهنگ‌های غنی نظیر فرهنگ ایرانی همواره قدرت اثرگذاری و بازتولید لازم را در سطح جهانی دارند.

سرمایه‌های فرهنگی ایران در توسعه‌ی فرهنگ ایرانی و صلح و دوستی و ایجاد امنیت در منطقه بسیار ارزشمند و مهم است. سرمایه‌های فرهنگی ایران اعم از آیین‌ها، شخصیت‌های تاریخی، ادبی و اماکن تاریخی در بهبود جایگاه ایران در مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای نقش ارزنده‌ای ایفا می‌کند؛ بنابراین باید در ایجاد ارتباطات فرهنگی در منطقه، سیاست‌گذاری

و برنامه‌ریزی مناسب صورت گیرد. کم‌توجهی به آیین‌های ایرانی، باعث می‌شود از فرصت پیش‌رو بهره گرفته نشود و کشورهای دیگر با استفاده از این آیین‌ها سودهای سرشاری از منابع مادی و معنوی برای خود کسب کنند.

بسیاری از آیین‌های ایرانی که در بین کشورهای ایران اشتراک‌های فرهنگی دارند، نیز رواج داشته است، اما امروزه در ایران مورد بی‌مهری واقع شده و توجه کافی صورت نمی‌گیرد. آیین سده، جشن نوسره، جشن فروردگان، جشن اردیبهشتگان، جشن خردادگان، جشن تیرگان، جشن امردادگان، جشن شهریورگان، جشن مهرگان، جشن آبانگان، جشن آذرگان، جشن دیگان (خرم روز)، جشن بهمنگان، جشن سپندارمذگان، جشن‌های گاهنبار، جشن خرمن، جشن انار و... باید بازتولید شوند و مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان حاکمیت قرار گیرد. باید با به‌روزرسانی و بازتولید جشن‌های محلی نیز سعی در جهان‌شمولی آن‌ها انجام شود. آیین‌ها و جشن‌ها باعث توجه سایر ملت‌ها به ایران می‌شود که این فرصت نادیده‌انگاری، ضررهای زیادی برای قدرت نرم ایران در پی خواهد داشت.

بر اساس اصل احترام متقابل میان دولت‌ها و ملت‌ها، آیین‌ها و فرهنگ‌ها ارتباط‌دهنده‌ی مناسبی برای برقراری این اصل هستند. همزیستی مسالمت‌آمیز بین اقوام در مرزهای هم‌جوار از طریق احترام قائل شدن به آیین اقوام سبب قوام و دوام صلح و آرامش در مناطق مورد بحث می‌شود. آیین‌های ایرانی توانایی فعال کردن ارتباطات فرهنگی کشور با بسیاری از کشورهای جهان را دارد. در سایه این فرصت، تنش‌زدایی در منطقه و جهان، قابل اجرا بوده و در سایه آن می‌توان به صلح و دوستی پایدار دست یافت.

مبانی صلح در حقیقت از درون نیاز اساسی انسان‌ها بر مبنای آرامش و امکان زیستن آبرومندانه برای همه برآمده است (موسوی‌فر، ۱۳۹۷؛ حیدری، ۱۴۰۱: ۲۹). در برقراری صلح مؤلفه‌هایی همچون «الزام رعایت احترام انسان»، «وجود فرهنگ و جامعه مدنی»، «احساس مسئولیت‌پذیری»، «اخلاق» و «علاقه و تعلق خاطر به زندگی اجتماعی» اهمیت دارند (کریمی و حافظ‌نیا، ۱۳۹۵: ۸؛ طرفی‌حردانی و رستمی، ۱۴۰۱: ۹۱-۹۰). همه‌ی این مؤلفه‌ها در مناسک و اجرای آیین‌های مختلف از جمله آن بخش از آیین‌ها نظیر نوروز، یلدا، بازی‌ها و... که جهان‌شمول هستند، نمود بیشتری در «رعایت احترام به انسان‌ها»، «فرهنگ مشترک»، «مسئولیت‌پذیر کردن افراد در قوم»، «اخلاق‌گرایی» و «تعلق‌پذیری» را برای دوام آرامش، صلح و امنیت ایجاد می‌کنند.

کشورهای جهان به تاریخ و فرهنگ ایرانی احترام می‌گذارند و این نگاه می‌تواند در نمایاندن چهره‌ای درست از ایران به جهانیان در استفاده صحیح از آیین‌ها و بازتولید آن‌ها فضای جدیدی در ارتباطات فرهنگی مؤثر باشد. تنوع فرهنگی، قومیتی، مذهبی و زبانی سرزمین پهناور ایران هم به لحاظ جغرافیایی و هم به‌واسطه‌ی داشتن ظرفیت‌های مختلف فرهنگی در سایه افکار و اعتقادات بخشی‌نگری مانع از استفاده کامل از ظرفیت‌های آیین‌های ایرانی

شده است. اکولوژی مناطق نیز در تقویت آیین‌ها و انجام آن‌ها بسیار مهم است. مناطق به واسطه عوامل اکولوژی و جغرافیایی، مناسک و آیین‌ها مشترک و همچنین شیوه‌ی اجرای مشترکی دارند که در آن محدوده‌ی جغرافیایی تقویت می‌شود؛ ازاین‌رو، سیاست‌های کلان فرهنگی باید مانع‌زدایی لازم را در سرلوحه اقدامات قرار دهد و شرایط لازم را برای برگزاری آیین‌های ملی و منطقه‌ای در کشور با حضور مردمان سایر ملل فراهم سازد.

کتابنامه

آبخضر، اصغر؛ متفکر، حسین. (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر مراسم و مناسبت‌های ملی در تقویت همبستگی و وحدت ملی با تأکید بر تربیت اجتماعی جوانان». دو فصلنامه پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی. س ۴. ش ۹. صص ۱۴۲-۱۱۳.

آقاخانی بیژنی، محمود؛ محمدی فشارکی، محسن. (۱۳۹۹). «تحلیل کارکردهای اجتماعی آیین‌ها و جشن‌ها در شاهنامه، بر اساس نظریه‌ی امیل دورکیم». جستارهای نوین ادبی. ۵۳د. ش ۲۱۰. صص ۴۶-۲۵.

آقاجانی، حسین؛ جلال کمالی، اسما. (۱۳۹۱). «بررسی مردم‌شناختی ورزش باستانی (زورخانه‌ای) در شهر کرمان». دانش‌های بومی ایران. ش ۲. صص ۶۰-۳۱.

آلبویه، محبوبه. (۱۳۸۱). «چهارشنبه و آتش». فردوسی. ش ۳. صص ۱۶-۱۴.

الهیوردی زاده، رضا؛ احمدی پور، زهرا؛ کریمی، مهدی؛ صفری، عبدالله. (۱۳۹۵). «تبیین رابطه بین توسعه‌یافتگی سرزمین با سازه‌های انسانی مستقر در فضای جغرافیایی با تأکید بر جغرافیای انتقادی و انسان‌گرا (مطالعه‌ی موردی: ایران)». نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان). ۲۷د. ش ۱. صص ۱۸۶-۱۶۳.

احمدی، حمید. (۱۳۹۰). پنیادهای هویت ملی ایرانی: چارچوب نظری هویت ملی شهروندمحور. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

احمدی‌زاده، زهراسادات. (۱۳۸۷). «بازی‌های کهن ایران». نشریه اطلاع‌رسانی و کتابداری «کتاب ماه هنر». ش ۱۲۳. صص ۵۴-۵۷.

اختر شهر، علی. (۱۳۸۵). مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی در حکمت دینی. تهران: نشر سازمان انتشارات تبلیغات اسلامی.

ارجمندی، غلامرضا؛ نوروزی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). «حل منازعات قومی در میان عشایر بختیاری شهرستان ایذه: رسم خون‌بری یا خون‌بس». مجله‌ی بررسی مسائل اجتماعی ایران. س ۱. ش ۱. صص ۴۴-۱.

- اشرف، احمد. (۱۳۷۲). «هویت ایرانی». فصلنامه‌ی گفتگو. ش ۲. صص ۲۶-۷.
- بوستانی، داریوش؛ امینی‌زاده، سینا. (۱۳۹۲). «کاوش کیفی ورزش باستانی زورخانه (مطالعه موردی: ورزشکاران شهر کرمان)». راهبرد/اجتماعی فرهنگی. س ۳. ش ۹. صص ۱۳۳-۱۰۹.
- بهروز، ذبیح‌اله. (۱۳۴۶). «گوی و چوگان». بررسی‌های تاریخی. ۲. ش ۹ و ۱۰. صص ۹۲-۶۵.
- بیگللو، رضا. (۱۳۹۳). «ارزیابی انتقادی تاریخ‌نگاری ناسیونالیستی در ایران». مطالعات ملی. س ۱۵. ش ۲. صص ۱۲۶-۹۵.
- پاپ‌زن، عبدالحمید؛ آگهی، حسین؛ شاهمرادی، مهنا. (۱۳۹۹). بازنمایی هویت ایرانی-اسلامی در پرتوی بازی‌های بومی و محلی، نهمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. دانشگاه تهران.
- پورتقی، رؤیا؛ سپهر، محمدهمایون؛ رشیدوش، وحید. (۱۳۹۹). «قدرت و عاملیت و نمایش‌های آیینی زنانه (مطالعه‌ای در نمایش‌های زنانه قبل از دهه پنجاه)». پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران. ۱۰. د ۲. ش ۲. صص ۳۰۸-۲۸۷.
- پورسعید، فرزاد. (۱۳۸۶). «گوناگونی و انسجام ملی در جامعه ایرانی». مطالعات راهبردی. ۱۰. د ۳۵. صص ۳۳-۶۰.
- تقوی‌نسب، نجمه. (۱۳۹۱). «فلسفه و مفاهیم درس تاریخ». مجله‌ی رشد آموزش تاریخ. ۱۳. د ۴۷. صص ۱۵-۶.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۶۰). «دورکیم و تقسیم کار اجتماعی». مجله‌ی نشر دانش. ش ۵ و ۶. صص ۲۷-۲۴.
- حیدری، علی؛ دولت‌شاه، ناصر. (۱۳۹۱). «جلوه‌های تصوف، فتوت و مذهب تشیع در ورزش باستانی و زورخانه‌ای ایران». پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. س ۲. ش ۲۰. صص ۷۲-۵۷.
- حیدری، محمدجواد. (۱۴۰۱). «مشارکت عادلانه اقوام در ساختار سیاسی و صلح پایدار در افغانستان». معارف اسلامی و علوم سیاسی. ۵. ش ۲۰. صص ۴۶-۲۱.
- خدادادی، محمدرسول؛ عسکریان، فریبا. (۱۳۸۹). بازی‌های بومی و محلی شمال غرب. چاپ اول. تهران: عصر انتظار.
- داودی حمله، ثریا. (۱۳۹۳). دانشنامه قوم‌بختیاری (تحلیل آداب، آیین، سنت، اعتقاد و باورداشت). اهواز: انتشارات معتبر.
- درکیم، امیل. (۱۳۹۶). صور ابتدایی حیات دینی. ترجمه‌ی باقر پرهام. چاپ ششم. تهران:

ثالث

- درویشی، محمدرضا. (۱۳۸۰). *از میان سرودها و سکوت‌ها*. تهران: موسسه ماهور.
- رضوی فرد، بهزاد؛ مرادقلی، حسین؛ ضرغامی، سیروس. (۱۳۹۵). «بررسی آثار ترمیمی اجرای مراسم خون صلح؛ مطالعه موردی در استان کرمانشاه». *نشریه حقوقی دادگستری*. ۸۰ د. ش ۹۴. صص ۲۳۴ - ۲۱۷.
- سازمند، بهاره. (۱۳۹۷). «نوروز و همگرایی فرهنگی در حوزه‌ی تمدنی ایران». *سیاست و روابط بین‌الملل*. س ۲. ش ۱. صص ۱۰۴ - ۸۹.
- سالم، ملیحه؛ غفاری هشتجین، زاهد. (۱۳۹۵). «بررسی نقش مؤلفه‌های دینی عید نوروز در تقویت هویت ملی». *اولین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش دینی-غدیر*. رشت.
- سجادی، سیدمحسن. (۱۳۹۸). «تحلیل آیین نمایشی اسب چوبی و بررسی منشأ آن». *نشریه‌ی فرهنگ و ادبیات عامه*. ۷۵. ش ۲۶. صص ۱۰۰ - ۸۱.
- سلطانپور، عقیل. (۱۳۹۸). «مطالعه و بررسی نهادهای کیفری سنتی ایرانی در قوم بختیاری». *مطالعات ایران‌شناسی*. س ۵. ش ۱۴. صص ۱۰۶ - ۸۹.
- سلیمی، مینو. (۱۳۹۰). «نوروز». *انسان و فرهنگ*. س ۱. ش ۱. صص ۲۱ - ۱.
- سیدامامی، کاووس. (۱۳۷۷). «یکپارچگی ملی و رشد هویت‌های قومی». *مطالعات راهبردی*. پیش شماره ۱. صص ۱۷ - ۷.
- شایسته رخ، الهه. (۱۳۹۰). «آیین‌های شب یلدا در فرهنگ مردم ایران». *فرهنگ مردم ایران*. ش ۲۷. صص ۲۶ - ۹.
- شمس، مجید؛ بختیاری و ارسته، زهره. (۱۳۹۴). «گردشگری و آیین‌های باستانی در ایران». *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*. س ۷. ش ۲۶. صص ۲۶۲ - ۲۴۳.
- طالبیان، محمدحسن. (۱۳۸۶). «اهمیت و نقش تعامل فرهنگی در اعتلای جهان معماری (با نگاه ویژه به تخت جمشید و پاسارگاد)». *نشریه بین‌المللی مهندسی صنایع و مدیریت تولید*. ۱۸۵. ش ۵. صص ۹۱ - ۸۱.
- طرفی حردانی، سهام؛ رستمی، محسن. (۱۴۰۱). «واکاوی مسیرهای صلح». *دانش‌نامه‌ی علوم سیاسی*. س ۳. ش ۸. صص ۱۰۶ - ۸۸.
- عباس‌زاده کناری، عالمه؛ امینی، علی‌اکبر؛ مایلی، محمدرضا؛ توحیدفام، محمد. (۱۳۹۸). «شأن و جایگاه نوروز در نزد ایرانیان با تأکید بر شاهنامه». *پژوهش اجتماعی*. ۱۱ د. ش ۴۵. صص ۱۴۸ - ۱۲۲.

- عباس‌زاده مرزبالی، مجید. (۱۳۹۹). «نهاد آموزش و پرورش و ضرورت اتخاذ سیاست هویتی جامع به‌منظور تقویت هویت ملی در ایران». *علوم سیاسی*. د ۱۶. ش ۵۰. صص ۷۷-۵۷.
- عباسی، فهیمه؛ خندقی، جوادامین. (۱۴۰۰). «تحلیل جنبه نمایشی آیین‌های اسب‌چوبی و نخل‌گردانی سبزووار از منظر پال وودراف». *پژوهش در هنر و علوم انسانی*. ج ۱. س ۶. ش ۳۶. صص ۵۴-۴۵.
- عبداللهی، محمد؛ قادرزاده، امید. (۱۳۸۲). «فاصله قومی و عوامل مؤثر بر آن در ایران». *فصلنامه علوم اجتماعی*. د ۱۰. ش ۲۴. صص ۳۶-۱.
- عبداللهی، پریسا؛ سامانیان، کورس. (۱۳۹۷). «جایگاه ارزش و ارزش‌شناسی در رویکردهای گذشته‌ی حفاظت و مرمت در محوطه‌ی میراث جهانی تخت جمشید». *مجله مطالعات باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*. د ۱۰. ش ۲. صص ۲۰۳-۱۸۵.
- غرایاق زندی، داود؛ ماکویی، سویل. (۱۳۹۸). «بنیان‌های طبیعی صلح و دوستی در آیین نوروز». *تحقیقات فرهنگی ایران*. د ۱۲. ش ۴۶. صص ۲۳-۱.
- غلامی، حسین؛ مرادقلی، حسین. (۱۳۹۴). «خون صلح؛ حل و فصل سنتی قتل». *نشریه علمی پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*. د ۳. ش ۵. صص ۱۸۴-۱۵۹.
- فتح‌اللهی، ابراهیم. (۱۳۹۵). «اتحاد اقوام ایرانی و نوروز باستانی». *سایت صدای معلم*. <http://www.sedayemoallem.ir>
- قرخلو، مهدی. (۱۳۸۲). «تحکیم همبستگی ملی با تأکید بر عناصر جغرافیای فرهنگی در ایران». *پژوهش‌های جغرافیایی*. د ۳۵. ش ۳. صص ۸۶-۷۵.
- قلی‌زاده، عبدالحمید. (۱۳۹۲). «عید نوروز، عامل هم‌گرایی در روابط کشورها». *رشد آموزش علوم اجتماعی*. د ۱۵. ش ۳. صص ۲۱-۱۶.
- کریمی، مهدی؛ حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۹۷). «تبیین نقش دولت محلی در صلح‌سازی». *فصلنامه ژئوپلیتیک*. س ۱۴. ش ۳. صص ۳۰-۱.
- کریمی‌مله، علی. (۱۳۸۵). «چند فرهنگ باوری و همبستگی ملی: تأملی انتقادی». *فصلنامه مطالعات ملی*. س ۷. ش ۳. صص ۹۳-۱۱۴.
- کیانی، امران؛ سمیعی اصفهانی، علیرضا. (۱۳۹۶). «بررسی نقش و کارکرد نمادهای مناسکی در همبستگی ملی در جمهوری اسلامی ایران». *رهیافت انقلاب اسلامی*. س ۱۱. ش ۴۱. صص ۷۰-۵۱.
- کریم‌پور، نسرین. (۱۳۹۴). «بررسی و تحلیل بازی‌های کودکانه قرن ششم هجری به استناد اشعار خاقانی شروانی». *نامه انسان‌شناسی*. س ۱۳. ش ۲۳. صص ۲۱۸-۱۹۴.

گیویان، عبدالله. (۱۳۸۵). «آیین، آیینی سازی و فرهنگ عامه‌پسند دینی: تأملی در برخی بازنمایی‌های بصری دینی و شیوه‌های جدید مداحی». نشریه مطالعات فرهنگی و ارتباطات. ۲۵. ش ۵. صص ۲۱۱-۱۷۹.

ماسوری، شکوفه. (۱۳۸۲) «خی صُل». مجله نامه‌ی انسان‌شناسی. ۲۵. ش ۳. صص ۹۲-۷۱.
ماکویی، سوئل. (۱۳۹۵). «جلوه‌های کارکردی صلح در آیین نوروز؛ ثبات، عدالت، رهایی». فصلنامه فرهنگ مردم ایران. ش ۴۴. صص ۹۱-۷۵.

محتشم، عادل؛ سامانیان، صمد. (۱۳۹۶). «کارکردشناسی نخل در آیین نخل گردانی از منظر حفاظت از گنجینه‌های فرهنگی ایران». نشریه پژوهش‌های ایران‌شناسی. ۷۵. ش ۲. صص ۱۲۱-۱۰۳.

مختاریان، بهار؛ واعظ شوشتری، تهمنه. (۱۳۹۶). «تحلیل ساختاری آیین‌های اسب چوبی و کوسه برنشین در ایران و پیوند آن با آیین‌های فرهنگ هند و اروپایی». نشریه پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران. ۷۵. ش ۲. صص ۱۱۵-۹۳.

مرادی غیاث‌آبادی، رضا. (۱۳۸۷). راهنمای زمان جشن‌ها و گردهمایی‌های ملی ایران باستان. تهران: نوید شیراز.

مرشدی‌زاده، علی. (۱۳۸۷). «نمادها و آیین‌ها در ایران پس از انقلاب و نقش آن‌ها در همبستگی ملی». نشریه مطالعات ملی. ۹۵. ش ۴. صص ۹۸-۷۳.

مقصودی، مجتبی؛ علی پور، جعفر. (۱۳۹۰). «بررسی نمادها و آیین‌های مشروعیت بخش در برنامه‌های صداوسیما با تأکید بر مناسک مذهبی». فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل. ۴۵. ش ۱۴. صص ۱۱۶-۷۷.

مقصودی، منیژه؛ غربی، موسی‌الرضا. (۱۳۹۲). مراسم آیینی اسب چوبی. مجموعه مقالات انسان‌شناسی هنر به کوشش بهار مختاریان و محمدرضا رهبری. اصفهان: حوزه هنری اصفهان.

موسوی‌فر، زهره. (۱۳۹۷). «بازتاب فلسفه سیاسی هابز و کانت راجع به صلح در توسل به عدالت کیفری بین‌المللی». پژوهش‌های روابط بین‌الملل. ۸۵. ش ۳۰. صص ۱۲۴-۷۵.

مولادوست، کیومرث؛ شاه امیری، ربابه؛ بهادر، حسین؛ جاوید، فضائل. (۱۳۹۸). «امکان‌سنجی برگزاری مسابقات چوگان در تنگ چوگان کازرون و اثرات پیش‌بینی شده آن بر جامعه میزبان». فصلنامه علوم ورزش دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج. ۱۱۵. ش ۳۶. صص ۱۰۲-۸۱.

مؤمنی، مصطفی؛ صرافی، ظفر؛ قاسمی خوزانی، محمد. (۱۳۸۷). «ساختار و کارکرد گردشگری مذهبی - فرهنگی و ضرورت مدیریت یکپارچه در کلان شهر مشهد». فصلنامه جغرافیا و

توسعه. د ۶. ش ۱۱. صص ۲۲-۳۸.

میرئی، حسن. (۱۳۴۹). آیین پهلوان‌نما. تهران: نشر میهن.

نامیان، فاطمه؛ عشایری، طاها؛ صالحی، حوریه‌سادات؛ سیفی، محمدرضا. (۱۳۹۹). «خون بس در فرهنگ سنتی ایران: تحلیل کارکردگرایانه از منظر دورکیم». فرهنگ مردم ایران. ش ۶۰. صص ۱۳۰-۱۰۷.

نولان، پاتریک؛ لنسکی، گرهارد. (۱۳۸۶). جوامع انسانی (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کلان). ترجمه ناصر فکوهی. ج ۳. تهران: نشر نی.

ویلیامز، فرانک پی؛ مک شین، ماری لین. (۱۳۸۸). نظریه‌های جرم‌شناسی. ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی. چاپ سوم. تهران: میزان.

یوسفی، علی. (۱۳۸۰). «روابط بین‌قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران». فصلنامه مطالعات ملی. ش ۸. صص ۱۳-۴۲.

Bell, C. (1992), *Ritual Theory, Ritual Practice*. New York, Oxford: Oxford University Press.

Brunton, R. (1980), *Correspondence*. *Man (NS)*, 15(4), pp. 734-35.

Cashman, R. (2002). *Sport in the National Imagination*. Walla Walla Press, Sydney.

Geertz, C. (1973). *The Interpretation of Cultures: Selected Essays*. New York: Basic Books.

Parekh, Bhikhu (2005); *Dialogue Between Cultures, Democracy, Nationalism and Multi-culturalism*, Ramon Maiz and Ferran Requjo, UK: Frank Cass Publications.

Philippot, P. 1972. Historic preservation: philosophy, criteria, guidelines, I, in: Price, N., Stanley, T. Jr., Kirby, M., Vaccaro, Melucco, A., (eds.), *historical and philosophical issues in the conservation of cultural heritage*, Los Angeles, The Getty Conservation Institute pp.268-

Turner, V. (1984), *The Anthropology of performance*. New York: performing Arts Journal Publications.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی